

پدیدآورندگان: صادق زیباکلام (استاد دانشگاه تهران)، حسام بشرویه نژاد کریمی  
انقلاب دوم؛ تولد آمریکا استیزی

# اشغال

سرشناسه	: زیباکلام، صادق، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور	: اشغال (انقلاب دوم: تولد آمریکا استیزی / نویسندگان دکتر صادق زیباکلام / حسام بشرویه نژاد کریمی
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۲ ص. رقعی
شابک	: 978-622-234-200-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
سرشناسه افزوده	: بشرویه نژاد کریمی، حسام، ۱۳۶۶-
موضوع	: ایران-تاریخ-جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-- اشغال سفارت آمریکا، ۱۳۵۸-۱۳۶۰
موضوع	: Iran-History-Islamic Republic, 1979--Hostage crisis, 1979-1981
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۶۵۴/۵
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴
شماره کتابخانه ملی	: ۶۱۱۳۷۲



طرح جلد: سید صدرالدین بهشتی

چاپ اول: ۱۳۹۹

قیمت: ۷۴۵۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پردیس

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، واحد ۳

تلفن: ۸۸۵۲۶۳۱-۸۸۵۲۷۲ ☎️ شماره: ۸۶-۳۴۳۵۹

سایت: [www.rowzanehnashr.com](http://www.rowzanehnashr.com) 🌐

📧 rowzanehnashr

📧 rowzanehnashr

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۲۰۰-۵ ISBN: 978-622-234-200-5

🌀 تمام حقوق برای ناشر محفوظ است 🌀

تقدیم به روح پدرم

و تقدیم به او که بازرگان سیاست نبود

حسام بشرویه‌نژاد کریمی



## فهرست

۹.....	دیباچه.....
۱۹.....	فصل اول / تاریخ سخن می‌گوید.....
۲۱.....	زمینه‌های تاریخی گروگان‌گیری در آبان ۵۸.....
۲۳.....	دموکرات‌ها در آمریکا؛ کارتر و نفوذ آمریکا در ایران.....
۳۰.....	انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷؛ طرح دو دیدگاه در خصوص دخالت آمریکا.....
۳۲.....	اشغال سفارت؛ یک روایت کوتاه تاریخی.....
۳۶.....	اشغال سفارت از دریچه‌ی نگاه آمریکایی.....
۵۲.....	نتیجه‌گیری.....
۵۵.....	فصل دوم / زیباکلام سخن می‌گوید.....
۵۷.....	انقلاب اسلامی چگونه آمریکاستیز شد؟.....
۱۰۳.....	فصل سوم / آنها سخن می‌گویند.....
۱۰۵.....	مصاحبه با کمال تبریزی.....
۱۰۹.....	مصاحبه با محسن میردامادی.....
۱۳۹.....	مصاحبه با محمد توسلی.....
۱۵۷.....	مصاحبه با مرحوم حسین شیخ‌الاسلام.....
۱۶۹.....	مصاحبه با محسن امین‌زاده.....
۱۸۹.....	مصاحبه با عباس عبدی.....
۱۹۵.....	مصاحبه با ابراهیم اصغرزاده.....
۲۳۹.....	مصاحبه با محمود احمدی‌نژاد.....
۲۴۹.....	مصاحبه با هاشم صباغیان.....
۲۵۹.....	مصاحبه با حاتم قادری.....
۲۶۹.....	فصل چهارم / چه شد آنچه شد!.....
۲۸۳.....	پیوست‌ها.....
۳۳۱.....	تصاویر.....



## دیباچه

همواره یکی از معضلات پژوهشگران و دانش‌پژوهان علوم سیاسی در ایران، گذر آسان از پدیده‌ها و گرانیگاه‌های تاریخی- اجتماعی است که بعضاً به سر منشأ تحولات شگرفی در سال‌های پس از خود بدل شده‌اند. پدیده‌ها و حوادثی که اگر کارشناسان و نظریه‌پردازان سیاسی ایران، متمرکز بر واکاوی و پس‌کاوی موشکافانه و علمی آنان می‌شدند و به ریشه‌یابی دقیق خاستگاه وقوع این حوادث می‌پرداختند، شاید بار دیگر شاهد تکرار زیان‌بار آنها در تاریخ ایران نمی‌بودیم.

یکی از آن حوادثی که با وجود وزن سنگین و نقش تعیین‌کننده‌اش در سلسله اتفاقات و معادلات سیاسی داخلی و حتی خارجی بعد از انقلاب ۵۷ ایران، مورد کم‌توجهی و بی‌مهری اندیشمندان ذریبط قرار گرفته و نیازمند بازخوانی بی‌طرفانه است، بی‌شک اتفاقی بود که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در ایران به وقوع پیوست. اشغال سفارت آمریکا در ایران، نه تنها تمامی معادلات قدرت در داخل ایران را دستخوش تغییراتی شگرف و دامنه‌دار کرد، بلکه تبعات حاصل از نتایج آن به نوعی بسترساز انتقال جریان قدرت در آمریکا هم شد!

از طرفی جوانان پرشورِ مسلمانِ پیرو خطِ امام با این اقدام انقلابی خود، توانستند استانداردهای جدیدی را نیز در تکمیل دایره ترمیدور در تاریخ جهان به نام خود به ثبت برسانند. عمر دولت میانه‌رویی که پس از انقلاب ۵۷ روی کار آمده

بود، گویا به یک‌سال هم نباید می‌رسید. دولت مهندس بازرگان که از همه سو، حتی از سمت به ظاهر دوستانی چون پیمان و عزت‌الله سبحانی و... مورد هجوم قرار گرفته بود، تاب و توان و یارای مقاومت بیشتر مقابل کنش‌های رادیکال رقیبانش را نداشت. البته اینکه از ابتدا قبول این مسئولیت برای همچون شخصیتی صحیح بود یا خیر، خود مبحث جداگانه‌ای است که مجال مفصل‌تری می‌طلبد.

حال برای معناکاوی مدون این رخداد تاریخی چه باید کرد؟ در بازشناسی و پدیدارشناسی این رخداد تاریخی چند لایه، باید هوشیار بود و گرفتار آسیب‌های مرسوم و معمول تحلیل‌های سیاسی این‌چنینی نشد. یکی از این آسیب‌ها، قضاوت و ارزیابی اقدام عاملان و یا احياناً آمران این حادثه، از چشم‌انداز تاریخی کنونی خود، بدون در نظر گرفتن شرایط و بستر معنایی حاکم بر آن روزهای ملتهد است. باید همان‌گونه که آنتونیو گرامشی اندیشمند شهیر معاصر اشاره کرده است، دقت کرد که هر پدیده، تاریخ‌مندی خاص خود را دارا است. پس بخش مهمی از این پروژه تحقیقاتی تاریخی، شناخت درست آن است؛ شناختی که نباید دو وجه مکانمند و زمانمند بودن آن را از دایره ذهن پاک کرد. از سوی دیگر، شناخت صحیح شرایط و مولفه‌های حاکم بر آن بازه‌زمانی و زیست‌جهان بازیگران، آمران و عاملان آن واقعه هر کدام به تنهایی نیازمند گفتگویی جامع است، تا آنجا که بتوان از لابلای این گفت‌وگوها به حقیقت و ریشه‌ی اصیل و اصلی این الگوی کنش انقلابی در آن برهه تاریخی دست پیدا کرد.

اینکه بتوانیم به گونه‌ای هم‌زمان اما دسته‌بندی شده و جداگانه به تحلیل میزان تأثیرگذاری مولفه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شاکله فکری هر کدام از کاراکترهای دخیل در وقوع ۱۳ آبان ۱۳۵۸ بپردازیم، شکلی ایده‌آل در پرداخت کارشناسانه یک حادثه جریان‌ساز تاریخی است که متأسفانه تا امروز شاهد آن نبوده‌ایم. با در نظر گرفتن تمامی موارد فوق در این پژوهش سعی شده است تا حدودی و در حد امکان، گامی در مسیر شفاف‌تر شدن آن چه قبل و بعد از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به وقوع پیوسته است، برداشته شود. در سال‌های پیش از سقوط رژیم پهلوی، سپهر سیاسی ایران فاقد یک حزب ساختارمند و ریشه‌دار در یک پیکر سیاسی نظام‌مند بود که بتواند به حرکت اعتراضی مردم شکلی سازمان یافته بدهد. از همین‌رو انقلاب ایران هم (به عنوان



یکی از انقلاب‌های مردمی منطقه)، با اتکا بر توده معنا پیدا کرده بود. این اتکا به توده در جنبشی اجتماعی-سیاسی همچون انقلاب ۵۷، ضرورت بازشناسی هر چه بیشتر نگرش‌ها و افکار گروه‌ها و طبقات اصلی جامعه را در قالب جمعی، دست اول و دستکاری نشده، بیشتر به ما گوشزد می‌کند. این بازنگری به ما کمک می‌کند که در تجزیه و تحلیل علمی رفتار سیاسی بازیگرانی که نقش‌های اصلی و عمده را در آن مقطع زمانی ایران به عهده داشتند، نگاهی دقیق‌تر و تجربی‌تر داشته باشیم و از تأثیرات محتمل سلايق سیاسی و جناحی خود در نگاهمان به یک پژوهش تاریخی نیز بکاهیم. حال با در نظر گرفتن تمامی موارد فوق، ذکر محورها و پرسش‌های اصلی، پیش از آغاز بازخوانی پرونده اشغال سفارت آمریکا در روزی سرد از پاییز ۱۳۵۸، خالی از لطف نیست؛ چرا که شاید بتواند به باز شدن گره‌های همچنان کوری مانند چرایی و چگونگی وقوع این پدیده اجتماعی دست یاری برساند:

۱- شاید اولین و اساسی‌ترین محل جدل در باب این حادثه تاریخی، پاسخ به پرسشی بنیادین در باب ماهیت اصلی انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران باشد. به راستی هدف انقلاب ایران کدام بود؟ نفی استبداد و استبدادستیزی و یا نفی استثمار و استعمار امپریالیسم جهان‌خوار و استکبارستیزی و در رأس آن هم ایالات متحده آمریکا؟ آیا آمریکاستیزی از همان ابتدا جزء لاینفک آرمان‌های انقلابیون و از پایه‌های ایدئولوژی مکتب انقلابیون بود؟ و یا بعدها و به مقتضیات زمان به یکی از ستون‌های اصلی مانیفست انقلاب اسلامی ایران بدل گشت؟ ریشه‌های این خوی آمریکاستیزی از چه زمانی و از کدامین منفذ تاریخی وارد گوبش رهبران و حاکمان ایران پس از انقلاب ۵۷ شد؟ جواب به این سؤال، گره‌گشای بسیاری از مجهولات ۱۳ آبان ۱۳۵۸ است که سعی شده است در خلال گفتگوهای پیش‌رو، تا حدودی به آن پرداخت شود.

۲- در تحلیل رفتاری رهبران وقت آمریکا نیز باید یک نکته حیاتی را در نظر گرفت؛ نکته‌ای که متأسفانه در این سال‌ها کمتر به آن اشاره شده و آن عبارت است از چندپارگی و چند دستگی فکری- عملی بازیگران اصلی کاخ سفید در دوران زمامداری کارتر. اگر نگاهی گذرا به خاطرات چند تن از نقش‌آفرینان کابینه کارتر همچون برژینسکی، ونس، سولیبون، براون و هایزر بیان‌دازیم، به‌وضوح به این تضاد

فکری و هرج و مرج حاکم، میان تصمیم‌گیرندگان نهایی آمریکا پی خواهیم برد. اختلافاتی که دامنه آن، گستره‌ای را از همان روزهای پایانی حکومت محمدرضا شاه پهلوی و اختلافات سهمگین مابین سولیوان و هایزر شامل می‌شد تا روزهای ملت‌هاب گروگانگیری و درگیری‌های میان برژینسکی، ونس و شخص کارتر. نتیجه طبیعی این پهنه وسیع درگیری‌های درونی کلینیه کارتر، عجز در گرفتن تصمیمی فوری و واحد در قبال بحران‌های بوجودآمده مذکور بود. البته از نقش مهره‌های مهم و خاکستری همچون کیسینجر و مجموعه راکفلر نیز نباید به سادگی عبور کرد. اگر نگاه صحیح به ترکیب و وزن هر کدام از نقش‌آفرینان کاخ سفید نداشته باشیم، به تبع آن مسلماً نخواهیم توانست، چشم‌اندازی مناسب به وقایع ایران نیز داشته باشیم.

۳- از همان زمان که پای قدرت‌های بزرگ بین‌المللی به معادلات سیاسی ایران باز شد، در تک‌تک اتفاقات و تحولات پیدا و پنهان سیاسی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی همواره، گویا باید به دنبال رد پای یکی از آنان باشیم. زنهار که نباید از گذرگاه این پیش‌فرض ذهنی- که تماماً هم نمی‌توان به آن بی‌توجه بود و آن را بی‌ارزش دانست- به دام عارضه‌ای دردناک به نام «توهم توطئه» فرو افتاد. البته باید توجه داشت که از اتخاذ یک رویکرد واقع‌گرایانه و انتخاب یک نگاه واقع‌بینانه به مسئله نیز نباید غافل شد. نمی‌توان این واقعیت را کتمان کرد که از دل این واقعه، منافع جمعی از بازیگران قدرتمند فرامنطقه‌ای تأمین شد و منافع عده‌ای از آنها نیز با تهدید روبرو گشت. این واقعیت که درست ۶ هفته پس از اشغال سفارت آمریکا، شوروی، افغانستان را اشغال می‌کند و یا اینکه درست پس از این حادثه، بانک‌های تحت مدیریت مجموعه راکفلر (از جمله بانک چیس منهتن) که میلیاردها دلار از پول‌های حکومت ایران را از دوره حاکمیت قبلی به شکل سپرده در خود نگه می‌داشتند بلوکه کردند؛ و یا روی کارآمدن ریگان جمهوریخواه که شاید در شرایط عادی، کارشناسان امر، شانس برای پیروزی این بازیگر سابق هالیوود، قائل نبودند و موارد متعدد دیگری که شاید ارتباط مستقیمی با این حادثه نداشته باشند، اما به هر حال به شکلی غیرمستقیم و توأمان و احتمالاً ناخواسته، منافع بزرگی برای یک‌دسته از بازیگران قدرتمند خارجی به همراه داشته است.

بنابراین نباید به دنبال ایجاد و یا پیدا کردن کانال ارتباطی مستقیم بین این وقایع و کنشگری دانشجویان پیرو خط امام در آن برهه زمانی بود؛ چرا که ناخودآگاه ما را مجدداً در چاه ویل «توهم توطئه» فرو خواهد انداخت و از مسیر روشن یک تحقیق سالم دور خواهد کرد. اما کالبدشکافی ماهیت هر یک از این تحولات که از جمله تبعات غیر مستقیم این اتفاق بوده‌اند، حاوی یک پیام شفاف برای آن دست کنشگرانی است که در فکر تکرار این قبیل کنش‌ها هستند. و آن پیام شاید این باشد که قبل از هر اقدام انقلابی‌مان، مفصل به دامنه نتایج و تأثیرات متعاقب و ملزومات کنش و یا واکنش امروز خود کمی بیشتر بیاندیشیم!

۴- یکی دیگر از گزاره‌های غلط پیرامون حادثه گروگانگیری ۴۴۴ روزه، آن است که تمام حامیان این اتفاق و همه آنان را که از عاملان آن دفاع می‌کردند را، در شروع جنگ تحمیلی عراق، حمله شوروی به افغانستان و بلوکه شدن ثروت هنگفت ملی ایران در بانک‌های راکفلر و... شریک تقصیر بینداریم! در تصمیم‌گیری‌های سیاسی معمولاً افراد، طالب پیامدهای غیرمستقیم انتخاب سیاسی خود نیستند یا حتی بعضاً از آن اطلاع ندارند و این دقیقاً همان نکته‌ای است که ما همیشه آن را نادیده می‌انگاریم. در ضمن باید توجه داشت که گروه‌های اجتماعی انقلابی که از منافع خود دفاع می‌کنند و خود را در معرض تهدید بزرگی می‌بینند، در گزینش‌های سیاسی مختلف، عملاً با محدودیتی شدید روبرو هستند، که البته این نیز خود دلیل خوبی برای رفع مسئولیت از رهبران تیم اشغال سفارت نیست. در نهایت نیز باید اشاره کرد که پی بردن به اینکه چه میزان از نیات دانشجویان پیرو خط امام، ایجابی بوده است و چه میزان از آن سلبی، نیازمند یک تحقیق آکادمیک و علمی و همه جانبه و چند بعدی است تا مبادا با مغفول ماندن یکی از زوایای این پدیده چند وجهی، به نتیجه‌ای تحریف شده و نادرست برسیم. نتیجه‌ای که شاید اگر از مسیر درست به آن بپردازیم، بتواند چراغ راهی باشد برای نسل‌های بعدی دانشجویان پیرو خط امام!

اما باید توجه داشت پرسش اصلی که باید با پاسخ گفتن به آن گام در مسیر واکاوی این واقعه بزرگ تاریخ سیاسی معاصر پرداخت، همانا پیدا کردن زمینه‌ها و عواملی است که منجر به شکل‌گیری ایده تسخیر سفارت در سال ۱۳۵۸

شد. البته در خلال کنکاشی که برای دریافت پاسخ برای این پرسش اصلی باید ذهنمان را متمرکز آن کرده، سؤال‌های اساسی دیگری نیز مطرح است که نباید از تلاش برای دستیابی به پاسخ آنها غافل شد. سؤالاتی از این دست که ریشه‌های فکری داخلی و خارجی این حادثه عظیم کدام بوده است؟ وضعیت بین‌المللی، تا چه میزان بر وقوع این حادثه تأثیرگذار بوده است؟ و اینکه جنس ادبیات حاکم بر گویش سیاسی و اجتماعی هسته‌های اصلی دانشجویان بانی اشغال سفارت چگونه بوده است؟

اشغال سفارت آمریکا از جمله موضوعاتی است که پرداختن به آن با وجود گذشت دهه‌ها، همچنان مورد توجه نسل‌های مختلف جامعه است. روز ۱۳ آبان ۵۸ دانشجویان پیرو خط امام که مرز خود را با جریان‌ات سیاسی آن زمان اعم از چپ‌های سوسیالیست، مجاهدین خلق، و ملی‌گراها مشخص کرده بودند و نخله‌ای مستقل در حوزه دانشجویی محسوب می‌شدند، وقتی به تحرکات آمریکایی‌ها بعد از پیروزی انقلاب در داخل کشور مشکوک شدند (براساس روایت‌های رسمی) تصمیم گرفتند پیام روشنی به کاخ سفید بدهند که تبلور آن نیز در اشغال سفارت دیده شد. بر این اساس است که سرآغاز این پژوهش نیز همین مسئله، و واکاوی قرائت‌های رسمی از حادثه ۱۳ آبان شد.

با وجود آنکه ۴ دهه از وقوع این حادثه بزرگ تاریخی می‌گذرد، متأسفانه زمانی که پای در مسیر واکاوی بسترهای وقوع این حادثه می‌نهمیم، متوجه عمق بکر بودن این زمین بایر می‌شویم. زمینی که هر تکه آن نیاز به تحلیل دقیق علمی-تاریخی دارد. با توجه به گستردگی کار در این حوزه مجبور به تقسیم‌بندی تاریخی پرونده این حادثه به ۳ بخش مجزا هستیم. در بخش اول باید به عوامل اصلی شکل‌گیری ایده اشغال سفارت نزد بانیان رسمی‌اش یعنی دانشجویان پیرو خط امام پرداخت.

در مرحله دوم نیز لازم است دوران ۴۴۴ روزه‌ای مورد توجه قرار گیرد که خود مملو از حوادث سیاسی و تاریخی بوده و هر کدام به تنهایی می‌توانند موضوع یک تحقیق جداگانه باشند؛ از حوادث و اتفاقات داخل سفارت تا درگیری‌ها و تصفیه‌های درون هسته‌های در حال شکل‌گیری قدرت در نظام

سیاسی تازه شکل گرفته؛ از عملیات پیچیده و پرابهام پنجه عقاب که هنوز هم در باب چگونگی انجام و شکستش سؤال‌های فراوانی مطرح است، تا مذاکراتی که پیرامون آزادسازی گروگان‌ها صورت می‌گرفت و هر کدام به نوعی به شکست می‌انجامید.

در مرحله سوم نیز لازم است در باب تبعات و تأثیرات این حادثه در عرصه داخلی و حتی محیط بین‌الملل، بحث و گفت‌وگویی کامل و جامع صورت گیرد. جدا از اتفاق مهم دیگری همچون شروع جنگ با عراق که طی این مدت (۴۴۴ روز) برای جمهوری اسلامی رخ داد، نباید فراموش کرد که سپهر سیاسی ایران پس از پایان بحران گروگانگیری چهره‌ای کاملاً متفاوت با روزهای شروع این بحران به خود گرفته بود. دیگر نه خبری از تحرکات علنی و رسمی گروه‌های چپ بود و نه چهره‌هایی همچون صادق قطب‌زاده، بنی‌صدر و یا ملی‌گرایان و فعالان لیبرالی همچون مرحوم مهندس بازرگان قدرت نقش‌آفرینی در این عرصه را داشتند.

در عرصه بین‌الملل هم، جهان در اوج جنگ سرد حالا با آمریکایی متفاوت از آمریکایی کارتر دموکرات روبرو شده بود که یک استراتژی جدید سیاسی و اقتصادی را برگزیده بود که تمامی دوران پس از خود را متأثر از خود می‌کرد. حتی اگر از شایعات مطرح شده گذر کنیم<sup>۱</sup>، باز هم هیچگاه نمی‌توان

۱- مانند شایعه توافق محرمانه‌ای که در ژوئیه و اکتبر ۱۹۸۰ بین مذاکره‌کنندگان و فرستادگان جمهوری اسلامی با ویلیام کیسی رییس ستاد انتخابات ریگان و متعاقباً رییس سیا در دولت ریگان در مادرید و پاریس صورت گرفته بود؛ توافقی مبنی بر آزاد نکردن گروگان‌ها تا پس از انتخابات آمریکا در ازای فروش تسلیحات به جمهوری اسلامی؛ که بعدها به پرونده ایران‌گیت شهرت یافت و در ادامه به رسوایی ایران-کنترانتی منتهی شد. این شایعه آنقدر قوی بود که در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ کمیته ویژه‌ای در کنگره آمریکا برای بررسی این موضوع یعنی اکتبر سورپرایز تشکیل شد و مدارک فراوانی برای اثبات جرم جمهوریخواهان در این پرونده، به این کمیته در کنگره سرازیر شد برای مطالعه بیشتر می‌توانید ر.ک به:

-Parry, robert (1993), Trick or Treason : The October Surpirse Mystery

-Honegger, Barbara (1989), October Surprise

- Sick, Gary (1991), October Surprise

گزارش کنگره آمریکا درباره اکتبر سورپرایز که در ۱۹۹۳ با این عنوان منتشر شده‌است:

Joint Report of the Task Force to Investigate Certain Allegations Concerning the Holding in 1980 of American Hostages by Iran ("October Surprise Task Force)

تأییراتی که حل نشدن بحران گروگانگیری در پیروزی ریگان جمهوریخواه داشت را نادیده گرفت. تغییر جریان قدرت در یکی از دو قطب قدرت در آن سالها در اوج درگیریهای شوروی و ایالت متحده حادثه کوچکی نبوده است که بتوان به راحتی از نظرگاه کارشناسان و نظریه‌پردازان سیاسی مغفول بماند.

اما با توجه به مجال اندکی که در این بخش از کار وجود داشت، تصمیم گرفته شد تا در قدم اول تنها به تحلیل عوامل شکل‌گیری ایده این واقعه پرداخته شود تا بتوان از دل بررسی این بخش از تاریخ معاصر ایران، به نگاهی درست حول تمامی تحولات سیاسی اجتماعی در سالهای بعدی در جمهوری اسلامی دست پیدا کرد. امید آن است که به زودی مراحل بعدی این پژوهش بسیار مهم برای دستداران تاریخ تحولات سیاسی ایران، جمع‌آوری و در مجله‌های بعدی همین مجموعه آماده عرضه گردد.

برای حصول این هدف پس از آنکه به شکلی مختصر مروری به سیر تاریخی روزهای منتهی به ۱۳ آبان ۱۳۵۸ صورت گرفته است، با توجه به نقصان و کمبودهایی که در حوزه اسنادی پیرامون این واقعه وجود داشت، سعی شد تا با مصاحبه‌های نسبتاً متفاوتی که با بازیگران متکثر درگیر در این واقعه انجام شده است، دریچه‌ای تازه به روی این واقعه گشوده شود.

همچنین یکی از مهم‌ترین مسائل در طول این تحقیق استفاده از روشی مناسب برای تحلیل مصاحبه‌ها بود. روش «تحلیل مضمون» که به ندرت در حوزه علوم سیاسی از آن برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود، روشی بود که به نظر می‌رسید می‌تواند در این بخش از کار به پیشبرد اهداف تعیین شده در این پژوهش کمک شایانی نماید. یکی از ابزارهایی که این روش برای دستیابی به نتیجه نهایی پیشنهاد می‌کند، کدگذاری و استخراج کدها و طراحی جداولی است که کدهای استخراجی از مصاحبه‌های صورت گرفته را در خود جای می‌دهد و در یک جدول نهایی به شکلی منسجم و ساختارمند به خواننده و محقق ارائه می‌دهد. با توجه به محدودیت‌ها، ما در این مجال تنها جدول نهایی را که شامل سه دسته از مضامین پایه‌ای وقوع این حادثه بوده، در اختیار خوانندگان (در

انتهای فصل چهارم) قرار داده‌ایم.<sup>۱</sup>

علاوه بر مصاحبه‌های موجود، تلاش فراوانی شد که بتوان با دیگر بازیگران مهم این حادثه همچون آقای موسوی خوئینی‌ها و سرکار خانم معصومه ابتکار و مهندس بی‌طرف و جناب آقای سیدنژاد و مرحوم دکتر یزدی و مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌ای هرچند کوتاه صورت گیرد. اما در دو مورد اول با وجود پیگیری‌های مکتوب و شفاهی فراوانی که صورت گرفت، متأسفانه، نهایتاً این دو بزرگوار هیچ‌گونه پاسخی به درخواست‌های مطرح شده ارائه ندادند. در مورد مهندس بی‌طرف و جناب آقای سیدنژاد هم متأسفانه امکان دسترسی به ایشان نیز فراهم نشد. در باب دو چهره آخر که طبیعتاً هر کدام می‌توانستند گفتنی‌های فراوان تازه‌ای در باب این موضوع برای مخاطبان داشته باشند نیز باید گفت که شروع این پژوهش با حاد شدن بیماری مرحوم دکتر ابراهیم یزدی مقارن شد و برای مصاحبه با مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم صحبت‌های اولیه برای هماهنگ کردن یک قرار ملاقات با ایشان صورت گرفته بود، اما متأسفانه مرگ ناگهانی و دور از انتظار ایشان، این موقعیت را از ما سلب کرد تا بتوان گفتگویی با این مخزن الاسرار جمهوری اسلامی داشت.

۱- برای مطالعه در باب روش "تحلیل مضمون" ر.ک:

- استراوس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۹۳)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- جعفری، علی (۱۳۹۰)، روانشناسی کیفی؛ راهنمای عملی برای روش‌های تحقیق، تهران، نشر اطلاعات.
- شیخ‌زاده، عطار (۱۳۹۰)، تجزیه و تحلیل کاربردی محتوا، تهران، نشر هنوز.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- عابدی جعفری، حسن و دیگران، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۱، شماره ۱۰، پیاپی ۱۳.
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۹۵)، تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی، تهران، نشر نی
- محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۸۷)، (روش تحلیل محتوا) (راهنمای عملی تحقیق)، تهران: گنجینه علوم انسانی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۶)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، تهران، نشر ورجاند.
- Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and Code development, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

در نهایت مجموعه‌ای که در قالب این کتاب در اختیار شما خواننده محترم قرار گرفته است حاصل سه سال تلاش است که سعی شده است متفاوت با کلیشه‌های برساخته و روایت‌هایی باشد که طی ۴ دهه پس از این واقعه، تاکنون به مخاطب عرضه شده است.

مطمئناً نقص‌ها و کمبوه‌های فراوانی در این قدم از این پروژه سه مرحله‌ای وجود داشته است که پیشاپیش از خوانندگان محترم بابت آن عذرخواهی می‌شود. امیدواریم که در گام‌های بعدی این پژوهش این نقصان‌ها به حداقل برسد.

در انتها باید از همه دوستان و عزیزانی که طی این سه سال من را در مسیر این پژوهش همراهی نموده‌اند، تشکر کرد. در ابتدا باید از زحمات‌های بی‌دریغ مادرم و حمایت‌های خانواده‌ام تشکر فراوان کنم؛ همچنین از زحمات اساتید گرامیم دکتر زیباکلام که خود بخشی لاینفک از این پروژه بوده و هستند که اگر حمایت‌های بی‌دریغشان از بنده نبود شاید هیچ‌گاه تا به همین مرحله از این تحقیق هم نمی‌رسیدم. دکتر جوادی ارجمند استاد عزیزم که راهنمایی‌ها و مشاوره‌های ایشان همچون چراغ راهنمایی، روشن‌کننده مسیر بود. بسیار سپاسگزار هستم از محبت‌های دکتر غلامحسین الهام که شاید برای خیلی از خوانندگان این مکتوب تعجب‌برانگیز باشد که بدانند با وجود تمامی تفاوت سلیقه‌های فکری و سیاسی که با بنده داشتند اما از هیچ کمکی برای پیشبرد این پژوهش دریغ نکردند. همچنین کمال تشکر را دارم از دوستان خوبم آقای دکتر رضا عباسی، آقای دکتر ملکی‌پور، آقای دکتر محمدمهدی دهدار، آقای دکتر رضا جوادی و سرکار خانم وطن‌آبادی که هیچ‌گاه از حمایت‌های فکری و راهنمایی‌هایشان من را بی‌نصیب نگذاشتند.

امیدوارم در اسرع وقت بتوانیم دو بخش دیگر این مجموعه تحقیقی را جمع‌آوری کرده و در اختیار دانش‌پژوهان و دوستداران تاریخ سیاسی معاصر ایران، قرار دهیم.

حسام بشرویه‌نژاد کریمی

بهار ۱۳۹۹